

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

اول مهر پنجاه و نه
استاد مسعود ریاضی

خواب و خواب دیدن

آگاهید که فلسفه روانشناسی و دانش فیزیولوژی انسانی به علت عدم شناخت روان و روح، هنوز مکانیسم خواب و خواب دیدن و حالات مربوط به رویا را نشناخته اند و آنچه فلاسفه و روشنفکران یا متفکرین و علمای ادیان، درباره خواب و خواب دیدن گفته اند، مطالبی بسیار سطحی و غیر مستدل و احیاناً نتیجه تجربیات شخصی بوده است که نمی توان آنها را حکم کلی دانست.

انسان باید شناخته بشود، جسمش، مغزش، روانش، روحش و ارتباطش با جهان هستی. خواب قسمتی از زندگی انسان است، انسان در خواب زنده است، می خورد، می آشامد، تفریح می کند، ازدواج می کند، حرکت دارد، فکر می کند، خیال می کند، معاشرت می کند و خلاصه زندگی می کند و بطور متوسط یک چهارم از عمر خود را در خواب می گذراند.

می دانید که آدم وقتی بیدار است، باز هم در خواب است و وقتی در خواب است، بیدار است؟ نه، یقین دارم این را نمی دانستید. خواب و بیداری دو حرکت از زندگی است که کاملاً مثل سرکه و انگبین به صورت مخلوط جریان دارد. آیا سکنجبین خورده اید؟ که نه سرکه است و نه انگبین و هم سرکه است و هم انگبین. انسان در بیداری در خواب است و انسان خوابیده بیدار است.

می دانید که خداوند نیز می خوابد و بیدار می شود و در این موضوع مثل همه مسائل، حال خدا و بشر مشابه می باشد؟ آیا می دانید که کره زمین نیز می خوابد و حال بیداری هم دارد؟

آب رودخانه ها چه؟ آنها هم همین طور. کوه، برق، گاو، حشرات، ماهیها، بادها، ابرها، صاعقه ها، صداها و خلاصه همه پدیده های عالم همین حال را دارند. هستی به طور کلی خداست. هر حالی که در انسان و سایر موجودات می بینید، در هستی نیز همان حال با ابعاد بی نهایت و بی حد وجود دارد. یکی از حالات انسان خواب و خواب دیدن است. شخص شخیص هستی نیز می خوابد و خواب می بیند.

حالا بیاییم سر مطلب "خواب چیست؟ و برای چیست؟"

یک کارخانه عظیم را در نظر بگیرید، یک چرخ تند می گردد، یک چرخ کند. حرکت چرخها و دنده ها و تسمه ها همه با هم متناسب است، اما متساوی نیست. حرکات تناسب دارد، به همین دلیل کارخانه می گردد و زنده است، اما متساوی نیست. می بینیم یک چرخ آهسته آهسته می گردد و چرخ دیگر بسیار سریع، که حرکتش دیده نمی شود. بدن انسان نیز همین طور است، سرعت جریان خون متناسب است با سرعت حرکت الکتریسیته اعصاب اما سرعتشان با هم متساوی نیست. قلب حرکت دارد، کلیه انسان نیز حرکت دارد، اما این حرکات با هم فرق دارند، ولی همه با هم متناسب است. همین طور حرکتهای مستقیم و حرکتهای دورانی، ظاهراً شباهتی با هم ندارند، اما با هم متناسب هستند و نظم دارند و خلاصه انسان و عالم منظم است.

خواب در یک کارخانه آن است که حرکتی متوقف شود و دستگاهها استراحت کنند. اما اینطور نیست، این ظاهر قضیه است، خواب حرکت معکوس است، یعنی اگر یک چرخ به سمت راست حرکت می کرده با سرعت صد دور در ثانیه، در وقت خواب، حرکت به طرف چپ با همان سرعت به نسبت مکانیسم آن چرخ و شرایطی که دارد می باشد. این حرکات معکوس یا خوابیدن در جهت حرکت کلی ماشین تنظیم شده است، یعنی این حرکت ارتجاعی، کل دستگاه را از راه باز نمی دارد، بلکه حرکت کلی دستگاه به راه خود ادامه می دهد و به طرف کل و کمال پیش می رود. پس یک کارخانه می خوابد و استراحت دارد.

خواب برای چیست؟

به این سؤال دو پاسخ می دهیم.

پاسخ اول: خواب برای استراحت و استراحت برای رفع خستگی و رفع خستگی برای ترمیم و تعمیر سلولها و جبران کمبود قوا است.

و اما پاسخ دوم : خواب نوعی از حرکت ماشین است. یک ماشین انواع حرکتهای را دارد. یکی از آنها هم خواب است، پس خواب چیز اضافی یا بی خود و بی جهت و غیر مفیدی نیست.

چگونه انسان می خوابد؟

ماشین بدن دائماً در کار است. کار و حرکت موجب فرسودگی یاخته ها و سلولها و کشته شدن ذرات ریز بدن می گردد. وقتی تعداد زیادی از یاخته ها و گلبولها و سایر ذرات ریز بدن مردند، جسم از نظر قوه و ابزار و آلات کار و حرکت دچار کمبود می شود، در نتیجه می افتد و از کار باز می ماند.

چون کارخانه های تولیدی در بدن وجود دارد که در زمان بیداری ما، آن کارخانه ها خوابیده و مشغول استراحت هستند، اکنون که بدن بر اثر کمبود قوا از کار بازماند، آن کارخانه ها به طور اتوماتیک، به کار می افتند و مشغول ساختن گلبولها، یاخته ها و سلولها و ذرات ذره بینی متناسب با دستگاههای مختلف بدن می شوند و کمبود قوا و نفراست ارتش بدن را تامین می کنند. اعضای فرسوده عوض می شوند و عوامل جوان جای آنها را می گیرند.

مثل جامعه بشریت که مرتباً گروهی می میرند و گروهی متولد می شوند و پیکره واحد جامعه بشریت به حیات و حرکت خود ادامه می دهد. وقتی قوه ها تامین و دستگاهها تجدید شد، کم کم بدن حرکت می کند، یعنی روان، جسم را به حرکت در می آورد.

یکی دیگر از علل خوابیدن، مسموم شدن بدن است. بافتها، ماهیچه ها و خون مسموم می شوند و انسان در وقتی که احساس خستگی می کند، این مسمومیت را به خوبی در همه بدن احساس می نماید. علت مسموم شدن بدن برای علم پزشکی روشن نشده (مقصودم مسمومیت بر اثر خستگی است) اما در آزمایشاتی که روی انسان و حیوان کرده اند بعد از حرکات و تولید خستگی، وجود سم را در بدن دریافته اند. اما نمی دانند از کجاست. حکمت نوین این حقیقت را روشن می کند و در آینده نزدیک، علم پزشکی به آن دسترسی پیدا خواهد کرد.

سموم بدن ماده ایست مرکب از اجساد و جنازه های یاخته ها و سلولها و ذراتی که کشته شده اند. یک کارخانه فلزی بعد از مدتی کار همین سمها و چرکها را در همه پیکره خود تولید می کند که بر اثر سائیده شدن چرخ دنده ها و میله ها و غیره خواهد بود. پس جسد یاخته های مرده به صورت سم، همه بدن را فاسد می کند و پس از آنکه بدن از کار افتاد و خوابید دستگاههای مختلف بدن برای شستشو و پاکسازی نسوج، ترشحاتی مخصوص می کنند.

این سموم و عفونتها به دو صورت از بین می روند: قسمتی جذب سلولها و یاخته های دیگر می شود و بر اثر ترکیبات شیمیایی خوراک خوبی، از برای بدن خواهند بود. قسمتی دیگر به صورت فضولات و عرق و ادرار از بدن دفع می گردد.

خواب و خواب دیدن

در این قسمت ، ابتدا باید وسایل دیدن شناخته شود یعنی دیدگان، آیا انسان فقط دو چشم ظاهری جسمی را در صورت خود دارد؟ یا اینکه از برای انسان دیدگان دیگری هم هست؟ در وقت خوابیدن ، دو چشم ظاهری انسان که در خواب است، یعنی بسته شده و چیزی را نمی بیند در حالی که در رویاها انسان تصاویری را با چشمان خود می بیند. آیا برای انسان دیدگان دیگری هم هست؟ حکمت نوین معتقد است که در انسان حواس بی شماری کار می کنند که تا کنون بیست و دو حس را شناخته و معرفی کرده، یکی از آن بیست و دو حس، چشم دل یا حس روشن بینی است که باید شناخته شود. به وسیله حس روشن بینی می توان مناظر و تصاویر خیلی دور را دید، در حالی که با چشمان ظاهری نمی توان آن ها را مشاهده کرد. در وقت خواب حس روشن بینی یا چشم جان فعالتر و حرکت او سریعتر می شود. انسان در خواب می داند که چشم دارد و می بیند، اما روان آدمی وسیله این حس روشن بینی چه چیز را می بیند؟ اگر پاسخ این سؤال داده شود مشکل حل می گردد.

نقشه ها و تصاویرها

این طبیعت لایتنهایی از نظر ماده و معنا یک پارچه موج است، یعنی یکپارچه انرژی است و انرژی عالمی متحرک و موج است و به صورت و تصویرها تجلی می کند زیرا منظم است. از این نکته مسئله نظم و علم عالم ثابت می شود. بخاراتی که از دریا برمی خیزد، دارای نظم است یعنی به صورت تصاویر و نقشهای منظم و معقول حرکت می کند، قطرات باران و تکه های برف که از تبدیل

بخارات در فضا تولید می شود و به زمین می آید، منظم و مصور است. خوشبختانه علوم طبیعی، نظمها و تصویرهای تکه های برف را عکس برداری کرده اند و شناخته اند. منتهی تعداد معینی تصویر را بدست آورده اند و خیال کرده اند که برفها با همین تعداد معین تصاویر به زمین می آیند. در حالی که هر تکه برف نقشی و شکل تصویری مخصوص به خود دارد. همان طور که هر انسانی از نظر تصویر و مکانیسم منحصر بفرد است. الله اکبر، راستی می توانیم تعداد تکه های برف را فقط در یک منطقه از زمین و در یک بارندگی محاسبه کنیم؟ حالا ببینید در یک زمستان در نقاط مختلف زمین چند بار برف می آید و تعداد تکه های برف در یک فصل زمستان چقدر خواهد بود. اینها هر کدام یک نقش و تصویر دارد.

همه زمستانها را در طول یک قرن، در طول هزار سال، در طول عمر زمین محاسبه کنید، ببینید این کارخانه عظیم نقش آفرین عالم چه می کند!! راستی اینها برای چیست؟ این همه نقش و تصویر برای برفی که عمرش بسیار کوتاه است و به محض اینکه باریدن گرفت، به آب تبدیل می شود، چه ضرورتی دارد؟ خداوند چه چیزی را می خواهد ثابت کند؟ کسی عقلش نمی رسد.

منهم آنچه او می خواهد می گویم یعنی آنچه را می گوید، به زبان من جاری می شود. او می گوید: "می خواهم قدرت و علم خود را برای خودم آزمایش کنم و بفهمم که در ذات من چه نهفته است. خودم برای خودم تجلی می کنم و ظهور می نمایم تا خودم را بشناسم. چون غیر از من کسی و چیزی وجود ندارد که بخواهم علم و قدرتم را برای او به معرض نمایش بگذارم. فقط من هستم و من زنده هستم و نمی توانم بیکار بمانم.

چون خودم را نمی شناسم، میل دارم خودم را بشناسم. پس خلق می کنم و نقش و نیروی ذاتم را به صورت قدرت و عظمت ظهور می دهم، برای آنکه شناخته شوم. شما انسانها نیز که ذرات وجود من هستید، آگاه باشید که شما را وادار به تفکر در نقشهای عالم می کنم و حاصل فهم و تجربیات شما نصیب من می شود. من از پشت چشمان شما به وجود و آفرینش خودم می نگرم، تا بهتر خودم را بشناسم. شما را دوست می دارم چون پاره های پیکر من هستید، به شما عشق می ورزم چون به خودم عاشقم. وقتی به یاد من هستید، در حقیقت این شما نیستید که مرا یاد می کنید، من هستم که به خودم فکر می کنم. وقتی مرا فراموش می کنید، نترسید زیرا مرا فراموش نکرده اید، در آن وقت شما به خودتان فکر می کنید که مرا از یاد می برید و خودتان چه کسی هستید؟

کمی فکر کنید رابطه خودتان را با من دریابید، آنوقت می دانید که باز هم به من فکر می کنید. از وحدت و کثرت شما، از جمع و تفریق شما، از نزدیکی و دوری شما، از حرکت وضعی و انتقالی شما، از سیر تکاملی شما لذت می برم. زیرا همه از من است و شما من هستید و من شما هستم. جدایی و دوتایی و کثرت و تفرقه در ذات من نیست. حرکت و سکون شما، حرکت و سکون من است. مرا بیازمایید، از من بخواهید که من دوست دارم، خود را بیازمایم و قدرت نمایی کنم.

سخن ما درباره نقشها و تصویرهای عالم و کثرت و امواج آفرینش بود، برف را مثل زدم که هر تکه آن تصویری خاص و نقشی معین است و منحصر بفرد، گازها و دودها، شعله ها و حرارتها امواج صوتی و امواج مغناطیسی همه و همه به صورت تصویرها و نقشهای منظم و قابل سنجش و زیبا در جهان حرکت می کند در حالی که چشمان ظاهر بین نمی تواند، این تصاویر و نقشهای منظم را احساس و ادراک نماید.

این بحث را از این نظر مطرح کردیم که بدانیم رویا و خواب دیدن چیست؟ و انسان در خواب چه می بیند؟ دنیای جدیدی به روی مغز شما گشودیم. اگر قدر بدانید، اسرار آفرینش را به امر یزدان بر شما مکشوف می کنیم تا خودتان را بشناسید و به خداوند معرفت و ایمان پیدا کنید، پس قطعاً افکار و تخیلات انسان به صورت تصاویر و نقشه در فضا ساطع می شود. خوبست این بحث محدود مضبوط را مطرح کنیم که :

- بخارات دریا، گازها، امواج صوتی، امواج مغناطیسی، شعله ها، امواج حرارتی و نورها همه به صورت نقشها و تصویرها حرکت می کند.

- افکار و خیالات انسانها، حیوانات، نباتات حتی جمادات به صورت نقشها و تصویرهای منظم در فضا حرکت می کند.

- از اجساد و بدن همه موجودات، جماد و نبات و حیوان و نیز از بخارات و مایعات و جامدات و از بدن کرات مرتباً امواج ساطع و در فضا پخش می شود که این امواج نیز به صورت تصاویر و نقشهای معین و منظم در فضا حرکت می کند.

- موجودات تحول پیدا می کنند، جسم و جان آنها از یکدیگر مجزا می شود. جان که سبکتر است در فضا پر می کشد. قطعاً می دانید جان نیز تصویر و نقش دارد و مرتباً از جان موجوداتی که در فضا حرکت می کنند، تصویرها و نقشهای تازه ای ساطع می شود و جریان می یابد.

- گفته شد که انسان و موجودات زنده، بلکه همه موجودات فکر می کنند افکار و خیالشان به صورت تصاویر در فضا پخش می گردد. در اینجا می گویم که روانها بعد از تحول نیز، دارای فکر و خیال هستند و تفکرات و تخیلاتشان به صورت تصویر و نقش ساطع می شود.

- موجوداتی که هنوز صورت مادی و حیات ظاهری پیدا نکرده اند و در گنجینه انرژیها و قدرت الهی هستند و بنا به سرنوشت، باید در آینده تبدیل به ماده بشوند و جسمیت پیدا کنند، وجود دارند. پس دارای نقش و تصویر هستند و نقش و تصویر آن ها قابل رویت است. آنها در کتاب سرشت و سرنوشت و لوح محفوظ جهان وجود دارند. به همین دلیل آینده نگری و نهان یابی و پیش گویی و خواندن سرنوشت انسانها مقدور است.

ما در خوابهایمان چه می بینیم؟

اگر شما پرتو جویان عزیز به سخنانم عنایتی داشته باشید، به آسانی می توانید بفهمید، که انسان چگونه خواب می بیند، این نقشها و تصویرهایی که در شش مورد بالا مطرح شد، در فضا وجود دارد به علاوه تصویر هیکل موجوداتی که جنبه مادی دارند و آن ها را مطرح نکردیم. میز، صندلی، انسانها، ساختمانها، مجسمه ها، کارخانه ها، حیوانات، حشرات و کلیه اشیاء هر کدام دارای نقش و تصویر هستند. ما در بیداری و خواب این تصویرها را با چشم ظاهری و حس روشن بینی مشاهده می کنیم، این تصویرها حقیقت دارد، زیرا وجود دارد پس ما در خواب و رویاها حقایق و واقعیات را می بینیم و خواب دیدن راست و درست است و نباید آن را واهی و موهوم دانست.

چرا خواب را واهی و موهوم می دانیم؟

علتش تطبیق نکردن تصویرهایی است که در رویا و خواب می بینیم با واقعیت مادی و محسوس جهان که با آن ها سر و کار داریم. مثلاً ماهیهای دریا فکر می کنند افکار و خیالات آنها به صورت تصویرها در فضا پخش می شود، انسانها این تصویرهای متعلق به ماهیهای دریا را می بینند و بعد از بیدار شدن اولاً قسمتی از خوابهایی که دیده شده فراموش می گردد، ثانیاً رابطه رویا و اشباحی که دیده شده قطع می شود، در نتیجه رویای انسان به نظرش نامربوط و واهی می آید.

همین طور می توانید مثالهایی بزنید و تفکر کنید تا حقیقت را دریابید. عزیزان من، کوه فکر می کند، رودخانه فکر می کند، کبوترها فکر می کنند و افکار این موجودات به صورت تصویرها و نقشهایی در فضا جاری است و ما در خواب این نقشها را می بینیم و چون سابقه ای در حافظه خود از آنها نداریم که دیدنیهای خود را با آن سوابق ذهنی تطبیق کنیم، نمی توانیم بفهمیم که این تصویرها چیست؟ و از کجاست در نتیجه به رویاهای خود بی اعتنا هستیم.

رویا بی نظم و نامربوط نیست، چون عالم منظم است و انسان در نظم آفرینش قرار دارد، خواب دیدنیهای انسان نامربوط و بی نظم نیست. طبق نقشه سرنوشت انسان و جهان، هر کس خوابهایی می بیند. و نیز به قدری که لازم، مفید و ضروریست، خوابها را تعبیر و تطبیق می کند. پس بیخود گیج و مبهوت نشوید و بدانید اگر شبها خوابهایی می بینید که در روز نمی توانید با خاطرات خود آنها را درست تطبیق و تعبیر کنید، این مسئله بنا به سرنوشت و تقدیر الهی و به خیر و صلاح شماست.

همواره و در همه حال شکر و سپاس یزدان مقتدر مهربان را بجا بیاورید و در توجه به خدا و پرستش او غفلت نورزید تا در زندگی کامیاب گردید.

خواهیدن طبیعت

وقتی هر موجودی اعم از جماد و نبات و حیوان، قسمتی از عمر را در خواب بسر ببرد، برای ما روشن می شود که کل موجودات عالم می خوابند. مجموع خوابهای همه موجودات عالم، خواب حضرت طبیعت لایتناهی و جناب هستی کل محسوب می شود، همان طور که مجموعه رویاها و مشاهدات و دیدنیهای کل موجودات طبیعت، مشاهدات عالم لایتناهی محسوب خواهد شد.

هیچ گاه فراموش نکنید هر چه در یک انسان هست، با ابعاد بی نهایت در وجود خداوند و عالم لایتناهی نیز هست و هر خاصیتی در یک عنصر یا هر حالتی در یکی از موجودات ذره بینی وجود دارد، در انسان و سایر موجودات نیز آن خاصیت و حالت وجود دارد، اگر این قاعده را فراموش نکنید، شناخت خود و جهان برایتان آسان خواهد بود.

دیدن سرنوشت در خواب

سرنوشت جهان و انسانها و سایر پدیده ها، در لوح محفوظ و کتاب علم خدا مستور و منقوش است. این طور تصور کنید که آفریدن، که از جانب خداوند قادر متعال صورت می گیرد، از روی کتابی است که دست قدرت الهی آن را ورق می زند. در هر صفحه ای از این کتاب یک نقشه و تصویر بسیار وسیع و بی نهایت وجود دارد که اراده خدا بر تحقق و پیاده شدن آن نقشه تعلق می گیرد.. پس باید گفت: در هر ورقی موجودات جدیدی مصورند و خلق می شوند. آینده هر انسانی در آن کتاب عظیم آفرینش و لوح محفوظ منقوش است.

یکی از برنامه های آفرینش این است که هر انسانی سرنوشت خود را قبل از تحقق و پیاده شدن نقشه ببیند تا با آنچه که در فردا اتفاق می افتد، امروز آشنا باشد. مانند مدیر کارخانه ای که کار فردای کارخانه را امشب مرور و بررسی نماید. پس یکی از موارد خواب دیدن، یا یک بعد رویاهای ما، دیدن آینده خودمان است.

همه موجودات چنین رویا و آینده نگری را درباره خود دارند و ضمیر باطن هر کس، به خوبی آگاه است که فردا چه خواهد شد. اما مردم دو دسته اند: اقلیتی از مردم خودآگاهند. یعنی از این رویاهای خود با خبرند و آنچه می بینند، فراموش نمی کنند. ولی اکثریت مردم ناخودآگاه زندگی می کنند و بینش یا آگاهی و بیداری ندارند. بینش دارند، اما آگاهی ندارند.

اگر شما رویاهای خود را به روشنی بیاد نمی آورید، علتش این است که هنوز برای خودآگاهی تعلیم ندیده اید و تمرین نکرده اید. اگر بپرسید: ما که خوابهای خود را فراموش می کنیم، پس دیدن آینده و برنامه های زندگی از قبل برای ما چه فایده ای دارد؟ در پاسخ می گوئیم: ضمیر باطن هر انسانی رویاها و خاطرات عالم خواب را ضبط می کند و در قسمت تاریک ذهن، این تصویرها باقی می ماند و خاصیت آن این است که شما با حوادث روزگار بدون مقدمه مواجه نشوید و زمانی که حادثه ای پیش می آید سابقه آن را در ضمیر باطن خودتان احساس می کنید. مثلاً اگر مقدر باشد، عزیزی را از دست بدهد، فرد قبلاً این حادثه دردناک را در خواب و رویا و خیالات خود می بیند و یک نوع آمادگی پیدا می کند و زمانی که با آن حادثه مواجه شد، خیلی خودش را نمی بازد.

هر کسی در این زمینه، تجربیات شخصی دارد. اما اینکه رویاهای خود را فراموش می کنید و فقط نقش و تصویر کمرنگ آن در ضمیر باطن شما باقی می ماند، به این علت است که اگر همواره از حوادث آینده آگاه باشید، زندگی حال را از دست می دهید و بنای کارها هم بر غفلت و فراموشی است و این غفلت و فراموشی بسیار مفید است. به همین ترتیب، غفلت و فراموشی از حوادثی که اتفاق افتاده و بر شما گذشته است که اگر همواره در مد نظر شما باشد، ادامه زندگی بر شما مشکل می شود.

خداوند همه امور را بر ما آسان گرفته و مهندس متخصص دانا و بینای آفرینش می داند، سرنوشت یک موجود را چطور قلم بزند که او بتواند مشتاقانه به زندگی و حیات خود ادامه بدهد.

در همین خواب دیدن اسراری نهفته، اما من نتوانستم از میلیاردها اسرار پیچیده خواب و خواب دیدن، یکی را برای شما بازگو کنم که بدانید، خواب و خواب دیدن چقدر در برقراری این نظام هستی و ادامه حیات موجودات مؤثر و مفید است.